

برونده «وطن امروز» در نقد مضمونی فیلم‌های سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر

سیاه و سفید جشنواره

مصطفی پورکیانی: جشنواره فیلم فجر امسال در شرایط کرونایی با همه‌اها و اگرهای موجود برگزار شد. پیش از برگزاری، برخی عدم برگزاری جشنواره‌های معتبر جهانی را مثال می‌آوردند تا مسئولان جشنواره را اقبال کنند تا لااقل زمان دیگری برای برگزاری جشنواره سی‌ونهم در نظر بگیرند و برخی هم تعداد بالای فیلم‌های منتظر اکران را پهنانه تراشی می‌کردند تا حداقل فیلم‌های دیگری به صف انتظار آنها اضافه نشود. با همه این تفاسیر، جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر در موعد همیشگی خود با رعایت همه پروتکل‌های بهداشتی و با حضور محدود مردم و رسانه‌ها، به میزبانی برج میلاد به عنوان کاخ جشنواره در تهران و همه استان‌های کشور برگزار شد. این بار برخلاف سال‌های گذشته، این فرصت برای فیلم اولی‌ها به وجود آمد که فیلم‌هایشان در کنار سایر فیلم‌های بخش سودای سیمبرغ مورد داوری قرار گیرد و بهتر دیده شود. به گفته اکثر کارشناسان و منتقدان، جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر امسال را می‌شود جولانگاه فیلم اولی‌ها نامید؛ چه در بحث کارگردانی و فیلمنامه و چه در بحث چالش‌برانگیز بازیگری، امسال شاهد درخشش استعدادهای جدیدی بودیم که بی‌شک

خبرهای خوبی در آینده نزدیک از آنها در دنیای سینما شنیده خواهد شد. علاوه بر فیلم اولی‌ها، حضور در جشنان فیلم‌های دفاع مقدسی نیز رنگ و بوی ویژه‌ای به جشنواره امسال بخشیده بود؛ فیلم «بدو» به کارگردانی مهدی جعفری که فیلم خاطر انگیز «۲۳ نفر» را در کارنامه خود دارد، با ۱۳ نامزدی و کسب ۵ سیمبرغ بلورین و یک دیپلم افتخار، بار دیگر همه نگاه‌ها را به خود خیره کرد. علاوه بر «بدو» با قهرمان نوجوان خود، علی غفاری با «تک تیرانداز» و برشی از زندگی شهید عبدالرسول زرین به عنوان تک تیرانداز ویژه دفاع مقدس، با زنده کردن سینمای قهرمان‌محور، سیمبرغ بلورین جشنواره از نگاه ملی را از آن خود کرد. در کنار «بدو» و «تک تیرانداز»؛ سیاوش سرمدی با فیلم اول خود به نام «منصور» نگاه مثبت اکثر منتقدان را به خود جلب کرد. این فیلم پرشی کوتاه از زندگی سرلشکر شهید منصور ستاری زمانی که عهده‌دار فرماندهی نیروی هوایی ارتش بود را به تصویر کشیده است. در این برونده سعی کردیم با نگاهی تحلیلی، مروری گذرا بر جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر با محوریت فیلم اولی‌ها، فیلم‌های دفاع مقدسی جشنواره و برخی فیلم‌های حاشیه‌دار داشته باشیم.



ضد مردم



سینمایی می‌زند قطعا کسی که چیزی از فیلم نماند، برای دیدن این بازیگران محبوب و نتیجه فیلمنامه امیرمهدی زوله معروف، حرص و ولع زیادی خواهد داشت اما همان ابتدا سبیلی سختی از شیلیلک می‌خورد!

در شیلیلک غیر از چند صحنه بسیار محدود و جدا افتاده از قصه اصلی، زهر مار به خورد مخاطب داده می‌شود؛ «هاشم» با بازی رضا عطاران و «عطا» با بازی پژمان جمشیدی، کارگران یک کارخانه ریسندگی به نام پشم ایران معرفی می‌شوند. صاحب کارخانه با وجود اینکه خانه‌های سازمانی در اختیار کارگران خود قرار می‌دهد اما در حال استثمار آنهاست به گونه‌ای که حتی به آنها اجازه نمی‌دهد در روز بیزش از ۲ ساعت برق داشته باشند. صاحب کارخانه با سوءاستفاده از کلمه «قناعت» و وارونه جلوه دادن آن تا می‌تواند از کارگران بیگاری می‌کشند. در این فیلم کارگران با وجود اینکه ۶ ماه است حقوق نگرفته‌اند اما از ترس اخراج شدن و بی‌خانه شدن اعتراض نمی‌کنند و حتی به کتک خوردن از سر کارگران و مشاوران صاحب کارخانه واکنشی نشان نمی‌دهند.

اما قصه اصلی وقتی آغاز می‌شود که در محیط «قناعت‌زده» پشم ایران یک دانش آموز طلب شیلیلک می‌کند و حتی یک

شیلیلک قرار است که انتقاد باشد و اعتراض؛ اعتراض به سیستم ناکارآمد و به همین علت می‌خواستند روی اعصاب مدیران راه برود اما به وضوح روی اعصاب مخاطب راه می‌رود و تا می‌تواند به صورت تماشاگر جنگ می‌اندازد. شیلیلک حتی در کبی کردن موقعیت‌های تاثیرگذار هم عقب‌تر از اسلاف خود است. اگر دوست دارید به جای مسئولان ناکارآمد سبیلی بخورید و با روح و روان تان بازی شود و به صورت از سبیلی سرخ‌شده شما چنگ‌زده شود، دیدن شیلیلک یک پیشنهاد خوب است، آن را از دست ندهید!

■ **بی‌همه چیز**
محسن قرایی در سومین فیلم سینمایی خود سراغ برداشتی آزاد از نمایشنامه «هلاکات بانوی سالخورده» رفته و به گفته خودش، پیش از ساخت فیلم اولش دوست داشته این فیلم را بسازد ولی به دلیل شرایط پیچیده، پرابزر و هزینه‌های بالا از خیر آن گذشته است. این بار همه چیز برای قرایی مهیا شده تا آرزوی او برآورده شود؛ از بازیگران ستاره تا سرمایه‌گذار و نمایشنامه معرفی که قرار است شالوده‌کار باشد ولی خروجی کار نشان می‌دهد نه شخصیت‌های داستان بردستی شکل گرفته‌اند و نه مساله و دغدغه کارگردان به بار نشسته است.

فارغ از قصه‌ای که تلاش می‌کرد کنایه‌های سیاسی تند و تیز حداقل در لایه‌های دوم و سوم داشته باشد و نداشت، حتی اجرا هم در نسبت با بازیگران و عوامل و جزئیات دیگر، چنگی به دل نمی‌زد. نکته قابل تأمل آنکه پرویز پرستویی در نشست خبری جشنواره گفته بود: «من شبیه قهرمان فیلم هستم!» جالب است که پرستویی «میرخان» (نقشی که «هر بی‌همه‌چیز» بازی کرده) را قهرمان فرض کرده است البته بعد نبیست عوامل هم در جلسه گفت‌وگو برای فرار دادن به او گفته باشند قرار است نقش یک قهرمان را بازی کنی!

اما کدام قهرمان؟ وقتی فیلم در قصه بلاکتلیف است، در شخصیت‌پردازی بلاکتلیف است، وقتی نمی‌تواند روابط را درست تعریف کند، رابطه پدر و دختری، زن و شوهری و حتی دیگر روابط انسانی را نمی‌تواند شکل بدهد، حتی وقتی عشق را نمی‌تواند به تصویر بکشد، چگونه می‌خواهد قهرمان بیافزیند؟ اساساً در قصه‌ای غرض مردم و همزمان علیه شخصیت اصلی (ونه قهرمان)، آیا می‌تواند قهرمان شکل بگیرد؟ «بی‌همه چیز» بیش از هر چیز دیگری، اجرای ضعیفی از «هلاکات بانوی سالخورده» است و نشان داد اقتضات تبدیل نمایشنامه به فیلمنامه بردستی رعایت نشده است.

جولان «فیلم اولی‌ها»



می‌شود، وی سال ۱۳۹۳ نخستین تجربه سینمایی خود را با فیلمنامه «تاهید» و با همکاری اپنا پناهنده پشت سر گذاشت و کاندیدای دریافت جایزه بهترین فیلمنامه از سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر در بخش نگاه نو شد. فیلمنامه‌های «سرافیل» و «ویلا‌یی‌ها»: از دیگر آثار معروف امیری است.

قصه فیلم «الاولا» را امیری با همراهی تهمینه بهرام و اپنا پناهنده و با الهام از ماجرای که در واقعی بودن آن تردید وجود دارد، نوشته‌اند؛ ماجرای که احتمالاً نبیی از آن نظر اهالی این منطقه، واقعی و ترسناک است.

امیری برای ساخت این فیلم به زادگاهش سندانج رفت و بخشی را در روستای شیوان و بخش دیگر را در خرورد همدان فیلمبرداری کرد. نوبت پورفرج، هدی زین‌العابدین و پوریا رحیمی‌سام بازیگران اصلی این فیلم هستند. امیری همچنین علاوه بر فیلم «الاولا» نگارش فیلمنامه‌های «کیچ گاه» و «تی تی» را نیز بر عهده داشت که هر ۲ فیلم در جشنواره فیلم فجر حضور داشتند و با هم به رقابت پرداختند.

فیلم زالوا در ک کرده که فرصت زیادی برای نزدیک شدن به تماشاگرش ندارد و به عنوان یک فیلم ترسناک از همان ابتدا تلاش می‌کند نشانه‌های تاثیرگذار و انفجاری‌اش را فعال کند. فیلم با نشانه‌هایی از ژانر ترس آغاز می‌شود اما به مرور این نشانه‌ها را از دست می‌دهد. دیالوگ‌ها و واکنش‌های کمدی، بخش‌های مهم و گاه تاثیرگذار از داستان فیلم هستند اما حد‌خودشان را می‌دانند و از مرزهای مشخصی عبور نمی‌کنند

با این حال این خودداری از کمدی شدن هم به فیلم زالوا

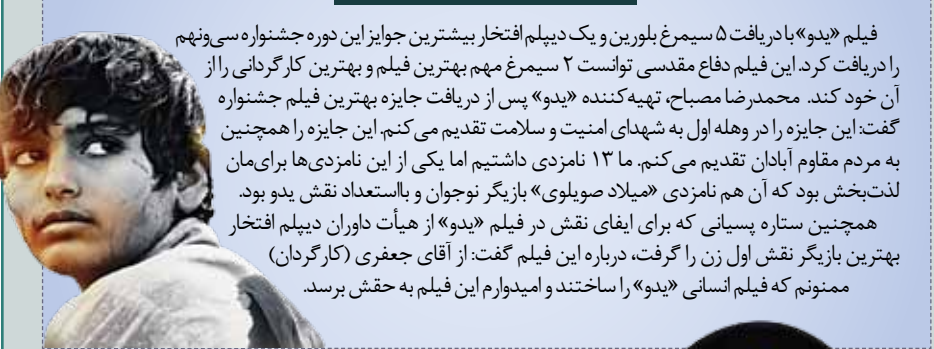
سیمبرغ به همراه اپنا پناهنده و تهمینه بهرام موفق شد سیمبرغ بلورین بهترین فیلمنامه را برای «الاولا» به خانه ببرد. همچنین پوریا رحیمی‌سام سیمبرغ نقش مکمل مرد را برای این فیلم به دست آورد.

■ **مصلحت**
حسین دارابی، کارگردانی جوان اما پرکار در حوزه فیلم کوتاه داستانی است. او بیش از ۲۰ فیلم کوتاه داستانی داشته و جوایز متعدد داخلی و خارجی نیز برای آنها کسب کرده و حالا با این پشتوانه کاری با فیلم مصلحت وارد جشنواره فیلم فجر شد. «مصلحت» که نخستین محصول مشترک سینمایی حوزه هنری و سازمان هنری-رسانه‌ای اوج به حساب می‌آید، یک تریلر امنیتی است که داستان آن اواخر دهه ۵۰ می‌گذرد. «مصلحت» درباره فرزند یکی از مقامات بلندپایه قضایی در سال ۱۳۵۹ است که ناخواسته در یک درگیری خیابانی، جوانی را به قتل می‌رساند. در این فیلم فرهاد قائمیان و وحیدرهبانی نقش‌های اصلی را ایفا می‌کنند. این دومین فیلم رهبانی بعد از حضور در «شیلیلک» ساخته محمدحسین مهدویان است. قصه «مصلحت» با اشاراتی کوتاه و متصل به وقایع تاریخی، در سال‌های ابتدایی انقلاب روایت می‌شود اما حرف فیلم مختص آن سال‌ها نیست. «مصلحت» اثر سیاسی و ایدئولوژیک جشنواره امسال بود که کوبنده و مطالبه‌گر آغاز می‌شود ولی از میانه‌های راه تغییر مسیر می‌دهد و مخاطب را دچار سردرگمی بدی می‌کند. شاید «مصلحت» از منظر اجرایی اثر بدی نباشد، با این حال دوربین و جزئیات صحنه

آن نکته شگفت‌آوری را در بر ندارد. از نظر تیم بازیگران، با توجه به اینکه می‌دانیم آثاری از این دست همواره با مشکل بازیگر چهره و ستاره سینما روبرو هستند، انتخاب‌های درست حسین دارابی به فیلم کمک کرده است. وحید رهبانی که از سال‌های دور با مجموعه نوستالژیک «خانه ما» در بین مخاطبان به یاد آورده می‌شود، گزینه جاقفاته و باورپذیری برای ایفای نقش اصلی فیلم بوده و فرهاد قائمیان که در سال‌های اخیر کمتر بر پرده ظاهر شده بود، با این فیلم، یاد حضور درخشانش در آثار ابراهیم حاتم‌کی را زنده کرده و نشان می‌دهد دوباره می‌تواند به سطح اول سینما بازگردد اما بهترین بازی «مصلحت» را امیر نوروزی جوان و تازه‌کار ارائه می‌کند؛ بازیگر با استعدادی که با سینمایی «همان» متبحر نشان داده بود و حالا با ایفای باورپذیری یک شخصیت منفی بلند در «مصلحت»، آینده روشنی را پیش روی خود می‌بیند از منظر محتوایی، «مصلحت» در یک ساعت اول رو به جلو ظاهر می‌شود تا حدی که مخاطب احساس می‌کند فیلم قرص و محکم و جسوری به جشنواره گذاشته است اما نیم ساعت پایانی فیلم، دربردارنده یک جور پاپس کشیدن فیلمساز و عقب‌نشینی اثر از آن فریاد مطالبات بخش‌های ابتدایی است. در واقع «مصلحت» خودش به مصلحت تن می‌دهد و آنقدر در فریاد زدن شعارها اغراق می‌کند که مخاطب جذابیت پیرنگ اصلی را بر باد رفته می‌بیند اما با این همه حسین دارابی توانست دیپلم افتخار بهترین کارگردانی فیلم اولی را برای این فیلم به ارمان بیارود.

پرتره قهرمان ملی

بدو



فیلم «بدو» با دریافت ۵ سیمبرغ بلورین و یک دیپلم افتخار بیشترین جوایز این دوره جشنواره سی‌ونهم را دریافت کرد. این فیلم دفاع مقدسی توانست ۲ سیمبرغ مهم بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را از آن خود کند. محمدرضا مصباح، تهیه‌کننده «بدو» پس از دریافت جایزه بهترین فیلم جشنواره گفت: این جایزه را در وهله اول به شهدای امنیت و سلامت تقدیم می‌کنم. این جایزه را همچنین به مردم مقاوم آبادان تقدیم می‌کنم. ما ۱۳ نامزدی داشتیم اما یکی از این نامزدی‌ها برای من لذت‌بخش بود که آن هم نامزدی «میلاد صویلوی» بازیگر نوجوان و بالاستعداد نقش بدو بود. همچنین ستاره پستیانی که برای ایفای نقش در فیلم «بدو» از هیأت داوران دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول زن را گرفت، درباره این فیلم گفت: از آقای جعفری (کارگردان) ممنونم که فیلم داستانی «بدو» را ساختند و امیدوارم این فیلم به حشش برسد.

منصور



تک تیرانداز

اگر دوست دارید یک فیلم سینمایی قهرمان‌محور با داستان مهیج و در عین حال واقعی ببینید «تک تیرانداز» را از دست ندهید. تک تیرانداز به کارگردانی علی غفاری و بازی کامبیز دربیاز در ژانر فیلم‌های دفاع مقدس را می‌توان یک اتفاق ویژه میان فیلم‌هایی که قصد داشتند قهرمانان حقیقی و رویدادهای واقعی دفاع مقدس ۸ ساله را روایت کنند به حساب آورد. تجربه فیلم سینمایی «استاپر آمریکایی» محصول سال ۲۰۱۴ به کارگردانی کلینت ایستوود نشان داد مخاطبان هنوز با فیلم‌های رتال با محوریت قهرمان واحد ارتباط نزدیک برقرار می‌کنند. این فیلم راوی زندگی تک تیرانداز آمریکایی «کریس کایل» بود که نویسندگان آن تا توانستند وقایع غیرواقعی را چاشنی فیلمنامه کردند تا محصولی در حد یک فیلم هالیوودی تحول دهند. این در حالی است که ۸ سال دفاع مقدس ایران پر است از قهرمانان واقعی که بیان حقیقت درباره آنها در روزگار امروزی شعار و اغراق به نظر می‌رسد. «تک تیرانداز» علی غفاری روایت‌گر بخشی از زندگی شهید عبدالرسول زرین، شکارچی ماهر دفاع مقدس است که در نبردهای حساس بود با شلیک‌های طلایی خود پیروزی‌های حساسی را نصیب ایران کند. با توجه به مهارت مثال‌زدنی «شهید زرین» به وی لقب «صیاد خمینی» داده بودند؛ چیزی که در فیلم تک تیرانداز نیز به آن اشاره می‌شود. آفت فیلم‌های قهرمان‌محور با قهرمانان حقیقی، فیلمنامه غیرواقعی و غیرحقیقی است؛ در چنین فیلم‌هایی، وقتی فرم بر محتوا چیره شود دیگر نمی‌توان از مخاطب انتظار داشت قهرمان فیلم را بلور کند. به عبارت بهتر، سخت‌ترین کار نویسندگان و کارگردانان چنین فیلم‌هایی این است که قهرمان زمینی جذاب خلق کنند تا یک قهرمان سوپرمنی تکراری و تپوع‌آورا علی غفاری موفق شده یک قهرمان حقیقی را با کمترین شعار ممکن به مخاطب معرفی کند. غفاری برای این کار تفلوت یک قرارگاه ارتش حرفه‌ای حزب بعث عراق